

ورزش بانوان

کیانی در یک قدمی المپیک

درست چند روز بعد از مسابقات تکواندو قهرمانی جهان که به میزبانی پاکو باتاریخ‌سازی طلایی ناهید کیانی به پایان رسید، نخستین مرحله از رقابت‌های گرنده‌پری در سال ۲۰۲۳ به میزبانی رم برگزار شد. جایی که باز هم خاطرات خوشی برای کیانی داشت. این تکواندوکار ایران در اینتالیابا تری مقابل حریفانی از تایلند، مراکش، چین تایپه و کره جنوبی راهی دیدار نهایی شد و در پیکار نهایی در یک مبارزه نزدیک برابر «جید جونز» از بریتانیا که لقب «شکارچی سر» را یدک می‌کشد شکست خورد و به مدال نقره بسنده کرد. جونز مدال‌های زیادی در المپیک، جهانی و گرنده‌پری‌ها در کارنامه دارد. در شرایط فعلی کیانی با ۱۴۸۶۷ امتیاز در مکان پانزدهم رنکینگ المپیک قرار دارد و با کسب این دو مدال طلا و نقره از ششمین صعود قابل توجهی در این جدول خواهد داشت. طلای قهرمانی جهان ۱۴۰ امتیاز و نقره گرنده‌پری ۳۶ امتیاز را به مجموع امتیازات وی اضافه خواهد کرد و با توجه به اینکه طبق قانون در صدی از امتیازات تکواندو کاران در سال‌های قبل کسر خواهد شد، وی می‌تواند صعودی چشمگیر داشته باشد و با رسیدن به جمع پنج تکواندوکار برتر وزن ۵۷- کیلوگرم، به صورت مستقیم سهمیه المپیک پاریس را به دست بیاورد.

درست است که کیانی فاصله‌های تاسهمیه‌نار داما نمی‌توان آن را قطعی دانست. چرا که تکواندوکاران تا ۱۰ دی فرصت دارند برای سهمیه تلاش کنند و این زمان کمی نیست. سه مرحله رقابت‌های گرنده‌پری بازی‌های قاره‌ای، دانشجویان جهان و ۴۰ امتیاز تورنمنت‌ها در پیش است و فاصله تکواندوکاران هم بسیار اندک است. به این ترتیب طبیعتاً رنکینگ باها تغییر خواهد کرد و کیانی برای اینکه سهمیه را بگیرد و برای خودنگه‌دارد، باید در همین مسیر به تلاش خود ادامه دهد و راه‌آروری دیگر رقیایش ببندد. او حتی می‌تواند با ماندن در اوج، شانس مدال کاروان ایران در المپیک هم باشد.



منهای فوتبال

والیبال از دیوار چین پرید

تیم ملی والیبال بالاخره در سومین بازی از هفته نخست لیگ ملت‌ها توانست طعم پیروزی را بچشد. شاگردان بهروز عطایی بعد از قبول شکست مقابل ژاپن و لهستان، روز گذشته به مصاف چین رفتند و در حالی که ست‌اول را با گفاز کرده بودند، اجازه ندادند اتفاقات بازی با لهستان تکرار شود و در نهایت توانستند برد سه بر یک را جشن بگیرند. ایران با این برد خود را تازده‌نهم جدول بالا کشید.

ایران در ست‌اول چندان محکم نشان نداد و دو تیم تا واسط بازی با پایایی پیش می‌رفتند. در امتیازات حساس ایران ۲۱ بر ۱۸ جلو بود اما کامیک تماشایی چینی‌ها آنها را به پیروز ست اول با نتیجه ۲۵ بر ۲۳ تبدیل کرد. در ست دوم اما ایران از همان ابتدا اختلاف سه امتیازی ایجاد کرد و در ادامه هم بر قدرت نشان داد. پسران عطایی با ایجاد ۱۰ امتیاز اختلاف نبض بازی را در دست گرفتند و در نهایت ۲۵ بر ۱۵ پیروز شدند. این برتری از ابتدای ست سوم هم ادامه پیدا کرد. بلندنقامتان ایران با درخشش در دفاع و حمله ۲۵ بر ۲۰ پیروز شدند. در ست چهارم اما پیشنازی چین شوکی به تیم ملی بود. ملی‌پوشان اما اجازه پیشروی به چینی‌ها ندادند و با نتیجه ۱۵ بر ۱۴ کار را تمام کردند. سرورس‌ها و حمله‌های غیرقابل مهار امین اسماعیل‌نژاد در این بازی به ایران بسیار کمک کرد. او توانست ۲۶ امتیاز برای ایران به دست بیاورد و یکی از ستاره‌های تیم باشد.

ایران در این بازی با ۶۱ حمله موفق آمار خوبی را ثبت کرد و این در حالی بود که تیم چین تنها ۴۱ امتیاز از حمله برای تیمش کسب کرد. در بخش دفاع اما تیم چین برتر بود چرا که آنها موفق شدند ۱۲ امتیاز از دفاع کسب کنند و ایران در دفاع روی روی ۱۰ امتیاز به دست آورد. در بخش سرویس هم ایران ۹۶ امتیاز در مقابل پنج امتیاز چین برتر نشان داد. همچنین ایران ۱۸ امتیاز از اشتباهات چین به دست آورد و در طرف مقابل، چین ۱۶ امتیاز از اشتباهات ایران کسب کرد. ملی‌پوشان ایران در چهارمین بازی خود امروز، یکشنبه ۲۱ خرداد از ساعت ۱۷:۰۰ به مصاف اسلونی رفتند.

کافا، تورنمنتی که کافی نیست
یک جام هم برای تو!



آزاد همتورد

ظاهر اقرار نیست تیم ملی با هدایت

امیر قلعه‌نویی، روبروی رقبای خارجی از قاره آسیا قرار بگیرد. فیفادی قبلی برای ایران مقابل چند رقیب بسیار ساده سپری شد و حالا در فیفادی جدید هم تیم ملی در تورنمنت کافا شرکت خواهد کرد. تورنمنتی که شاید بیشتر برای تیم ملی امید یا ترکیبی از مهره‌های جوان تبال ایران بزرگسالان مناسب باشد اما فو تبال ایران قصد دارد در تمام قوا در آن شرکت کند. ظاهر امیر قلعه‌نویی حتی از فتح احتمالی این جام تدار کاتی به عنوان یک دستاورد بزرگ برای خودش نیز نام خواهد برد.

کافا، جام ناشناخته

کافا در حقیقت تورنمنت قهرمانی آسیای مرکزی است که در سال‌های گذشته سابقه برگزاری در ده‌های جوانان، امید و بانوان را دارد. تا امروز هرگز رقابت‌های کافا در سطح بزرگسالان فوتبال مردان برگزار نشده و این اتفاق برای اولین بار رخ خواهد داد. جالب اینکه یکی از پیشنهاد دهندگان اصلی برگزاری رقابت‌ها در این سطح، فدراسیون فوتبال ایران بوده اما با این حال میزبانی به کشور دیگری رسیده است. به نظر می‌رسد فدراسیون از شرکت در چنین رقابتی در درجه اول، به دست آوردن یک جام قهرمانی باشد. آن وقت برای مدت‌ها، فدراسیون پنج ستاره یک ستاره دیگر اضافه می‌کند و امیر قلعه‌نویی از جام بردن تیم ملی با یک مربی ایرانی

حرف می‌زند! کافا اما اصلاً شباهتی به یک جام معتبر در دنیای فوتبال ندارد و به هیچ وجه از سطح بالایی نیز برخوردار نیست.

رقبای کهکشانی!

ایران در دور گروهی کافا، دو حریف بزرگ و کهکشانی (۱) دارد و باید روبروی افغانستان و قرقیزستان قرار بگیرد. جالب اینکه سطح بازی‌ها طوری است که حتی نتوانسته‌اند تعداد تیم‌های شرکت‌کننده در آن را رند کنند تا دو گروه، حداقل تیم‌های یکسانی داشته باشند. نفس برگزاری چنین رقابتی هیچ ایرادی ندارد اما حقیقتاً چرا فوتبال ایران باید با همه توان و ابزارش در کافا شرکت کند؟ مگر کره جنوبی و ژاپن با نفرات اصلی به رقابت‌های قهرمانی شرق

آسیای می‌روند؟ مگر تیم‌های حاضر در منطقه غرب، رقابت‌های غرب آسیا را جدی می‌گیرند؟ چرا ناگهان یک تورنمنت تشریفاتی انقدر مهم می‌شود که تیم ملی باید با تک ستاره‌هایش در آن شرکت کند؟

بهترین حالت: یک رقیب متوسط

جالب اینجاست که کادر فنی تیم ملی از حضور ازبکستان و عمان به عنوان دو قدرت آسیایی در این رقابت‌ها حرف بزند. حالا بماند که این دو تیم هم هیچ شباهتی به قدرت‌های سطح یک آسیایی ندارند و هرگز هم در جام جهانی نبودند و هیچ وقت هم جام ملت‌ها را نبرده‌اند! اصلاً به فرض که این دو تیم واقعا قدرت‌های آسیایی باشند، آیا ایران در این تورنمنت با هر دوی آنها روبرو خواهد شد؟ تیم ملی در بهترین حالت فقط با یکی از این دو تیم مسابقه می‌دهد. چرا که تیم‌های اول هر گروه به فینال می‌رسند و تیم‌های دوم نیز بازی رده‌بندی را انجام می‌دهند. ایران با وجود رده‌بندی فینال این جام می‌شود و از بین ازبکستان و عمان نیز یک تیم خودش را به این تورنمنت می‌رساند. یعنی در بهترین حالت ممکن در فینال این رقابت‌ها نهایتاً یک حریف متوسط خواهیم داشت. همین و بس! این همه آورده‌های شرکت در تورنمنت کافا برای فوتبال ایران است.

به نظر می‌رسد هدف فدراسیون از شرکت در تورنمنت کافا در درجه اول، به دست آوردن یک جام قهرمانی باشد. آن وقت برای مدت‌ها، فدراسیون پنج ستاره یک ستاره دیگر اضافه می‌کند و امیر قلعه‌نویی از جام بردن تیم ملی با یک مربی ایرانی حرف می‌زند

امیر و تکرار تاریخ

وقتی امیر قلعه‌نویی برای اولین بار سرمربی تیم ملی ایران شد، خیلی‌ها نگران زمان نسبتاً کم تیم برای آمادگی تا جام ملت‌های ۲۰۰۷ بودند. ایران در آن مقطع برنامه تدار کاتی بسیار سبکی داشت و همین باعث می‌شد آمار کادر فنی تیم ملی روی کاغذ آمار خوبی به نظر برسد. در واقعیت اما اوضاع طور دیگری بود. چرا که آن تیم هرگز محک نخورد و در نهایت هم در اولین مسابقه حذفی جام ملت‌ها بازنده شد تا خیلی زود به خانه برگردد. تیم امیر قلعه‌نویی زمستان امسال باید در قطر جام ملت‌ها را برگزار کند اما این تیم تا امروز حتی یک حریف فراتر از حریف تمرینی نداشته است. کافا هم که فرصت را برای این تیم مهیا نمی‌کند اما کاش فدراسیونی‌ها به فکر باشند و تصمیم‌های دیگری برای تیم ملی بگیرند. کاش این بار دیگر قلعه‌نویی تعداد بردهایش روی نیمکت تیم ملی را بشمارد. چرا که با وجود رقبایی مثل افغانستان و قرقیزستان تیم نونهالان ایران نیز می‌تواند به فینال کافا راه پیدا کند. این فرصت‌های از دست رفته برای محک خوردن تیم ملی، بعدها تاثیر خودشان را نشان خواهند داد.

تیمی که نمی‌شناسیم

قلعه‌نویی چه زمانی قرار است ۱۱ بازیکن ثابتش برای جام ملت‌ها را بشناسد؟ همین حالا ترکیب این اردوی او تفاوت‌های زیادی با ترکیب اردوی قبلی دارد. مگر غیر از این است که بازیکنان قدرت واقعی‌شان را در بازی‌ها بزرگ نشان می‌دهند؟ روبروی افغانستان که هر بازیکنی می‌تواند گل بزند و پاس گل بدهد. حیف نیست که ستاره‌هایی مثل آزمون، طرامی و جهانبخش را مقابل این حریف‌ها به زمین می‌فرستید؟ حیف نیست که گلزن بوندس لیگا و آقای گل لیگ برترغسال را در چنین موقعیت ساده‌ای در زمین فوتبال قرار می‌دهید؟

روشی که اشتباه است

اجرای قانون سقف بودجه در فوتبال ایران، مطلقاً غلط به نظر می‌رسد و افرادی که این قانون را پیشنهاد داده‌اند، درک درستی از فوتبال حرفه‌ای ندارند. فیر پلی مالی در هیچ نقطه‌ای از دنیا، بودجه یک تیم را محدود نمی‌کند. مساله این است که بر اساس این قانون، باید تراز در آمد و هزینه باشگاه مثبت باشد. حالا چرا این قانون جواب نمی‌دهد؟ به این مثال ساده توجه کنید؛ فرض کنید باشگاهی در فوتبال ایران برای یک فصل ۸۰ میلیارد تومان هزینه کرده و از نظر قانون سقف بودجه، رضایت فدراسیون را به دست آورده است. حالا همان باشگاه در این فصل حتی ۴۰ میلیارد هم درآمد نداشته است. پس حتی در صورت رضایت فدراسیون و تطبیق با قانون سقف بودجه، آن باشگاه نتوانسته فیر پلی مالی را رعایت کند! این نشان می‌دهد که طرح فدراسیون، از اساس مشکل جدی دارد. فدراسیون باید باشگاه‌ها را ملزم به درآمدزایی کند و خودش هم پشت آنها بایستد.

برای این مثال حق پخش تلویزیونی باید به هر قیمتی به تیم‌ها تعلق بگیرد تا باشگاه بتواند به حیاتش ادامه بدهد. در فوتبال ایران باشگاه‌هایی وجود دارند که ورز شگاه‌شان همیشه خالی است و هرگز در آمدی از بلیت فروشی به دست نمی‌آورند، پیراهن‌شان را هیچ کس نمی‌خرد و حامیان مالی بسیار محدودی دارند. اصلاً چرا چنین باشگاه‌هایی باید در فوتبال حرفه‌ای وجود داشته باشند وقتی تقاضایی برای‌شان نیست؟ فدراسیون اگر واقعا به دنبال اصلاح اوضاع باشد، باید به این موارد توجه نشان بدهد. در غیر این صورت کاری که فدراسیونی‌ها انجام می‌دهند، شبیه تلاش‌های ناظمی است که در ظاهر همه بچه‌ها را آرام می‌کند و در واقعیت، به محض ترک کردن حیاط مدرسه، شاهد سروصدای بیشتر آنها می‌شود! این شکل انعطاف‌ناپذیر قانون، هیچ تاثیر مثبتی روی فوتبال ایران ندارد و حتی شاید نقش مخربی در این فوتبال داشته باشد. سقف بودجه قانونی است که خیلی زود در مسیر شکست قرار خواهد گرفت.

راهی را می‌رود که در نهایت باشگاه‌ها را به پنهان کردن حقیقت ترغیب کند. این ماجرا بدون تردید پایان خوشی برای فوتبال ایران نخواهد داشت. از آن جایی که قبلاً هم قوانینی مثل سقف قرار داد ساخته و در نهایت له شده‌اند، انتظار می‌رود قانون سقف بودجه‌ای نیز سرنوشتی به جز ناپایده گرفته‌شدن نداشته باشد.

دور می‌زیم، دور نمی‌زنند!

قوانینی که فدراسیون برای باشگاه‌ها در نظر می‌گیرد باید آن قدر قرص و محکم باشد که به هیچ قیمتی زیر پا گذاشته نشود. همین حالا در فوتبال اسپانیا، این قوانین انقدر دقیق اجرا می‌شود که باشگاهی مثل بارسلونا حتی نمی‌تواند بهترین بازیکن تاریخش را با یک قرار داد آزاد بر گرداند. باشگاه برای این کار باید مهره‌های پرشماری را به فروش برساند تا از لحاظ دستمزد، امکان جذب مسی را داشته باشد. یعنی حتی وقتی پای بازیکنی مثل مسی وسط باشد نیز لالیگا به بار سسا اجازه نمی‌دهد که قانون رازیر یا بگنارد و خود باشگاه نیز هرگز دست به چنین کاری نمی‌زند.

در فوتبال ایران اما فلان مدیر روی آنتن زنده تلویزیون به باشگاه‌ها توصیه می‌کند که حقوق بازیکنان خارجی‌شان را بابت کوپین بدهند! یعنی همیشه راهی برای زیر پا گذاشتن قانون مطرح می‌شود. به احتمال بسیار زیاد در این دوره خودرو، خانه و چیزهای شبیه به این نیز دوباره بین باشگاه‌ها و بازیکنان رد و بدل خواهد شد. پدیده‌ای که در دوران اجرای قانون سقف قرار داد نیز به شدت در تیم‌های مختلف به چشم می‌خورد.

قانونی که اکثریت آن را دور بزنند یا به عبارت بهتر، اکثریت میل به دور زدن آن داشته باشند، قانون کار آمدی نیست. این قانونی نیست که بتوان استانداردهای روز فوتبال دنیا را در آن اجرا کرد. این قانونی نیست که همه باشگاه‌ها آن را به عنوان یک نسخه نجات برای فوتبال ایران ببینند.

چهره به چهره

فیر پلی مالی با یک شیوه کاملاً غلط

قانون لگدمال می‌شود!

آزاد طاری

دوران حضور قرضی پیام نیازمند در باشگاه سپاهان به پایان رسید و حالا تیم اصفهانی او را با یک قرار داد قطعی از پور تیمونز به پر تغال به خدمت گرفت. به گفته طرف پر تغالی ماجرا، ارزش این قرار داد با سپاهان بر سر نیازمند یک میلیون دلار بوده است. با توجه به این رقم و همچنین دستمزد خود پیام، به نظر می‌رسد باشگاه سپاهان چیزی بیشتر از ۲۰ درصد از سقف بودجه را فقط برای یک نفر هزینه کرده است. در چنین شرایطی، آ بامی توان به قوانینی شبیه به این در فوتبال ایران امید داشت؟

سقف بودجه، ضر بدر دو

هزینه برخی باشگاه‌های صنعتی در فوتبال ایران در فصل گذشته از ششصد میلیارد تومان هم عبور کرده است. چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم که این هزینه ناگهان نصف شود و نهایتاً به سیصد میلیارد تومان برسد؟ همین حالا هیچ عزم و اراده‌ای برای انجام این کار وجود ندارد. هزینه سنگین سپاهان برای بازگرداندن پیام نیازمند، به وضوح نشان می‌دهد که آنها قرار نیست این قوانین را رعایت کنند و به دنبال زندگی زیر سقف بودجه باشند.

شاید در بعضی از باشگاه‌ها حتی بیشتر از دو برابر سقف بودجه نیز هزینه شود اما با استانداردهای واقعی در اختیار فدراسیون قرار نگیرد. خود فدراسیون هم

اتفاق روز

تب فوتبال از قطر تا استانبول

تهران کجاست؟

اگر همین چند ماه قبل دو حقه قطر به پایتخت فوتبال دنیا تبدیل شده بود، شب گذشته نیز نگاه همه دنیا به استانبول بود تا فینال لیگ قهرمانان در ورزشگاه آتاتورک برگزار شود. همسایگان ایران حالا در یک بازه زمانی کوتاه، میزبان فینال جام جهانی و فینال لیگ قهرمانان اروپا بوده‌اند. دو مسابقه‌ای که در ده ملی و باشگاهی، مهم‌ترین دیدارهای دنیای فوتبال به شمار می‌روند. سهم تهران اما از این هیجان چه بوده است؟ تقریباً هیچ! نهایتاً اینکه گروهی از هواداران ایرانی به دو حقه با استانبول سفر کنند و بازی‌را از نزدیک ببینند. آیا این واقعا همه آن چیزی است که ما از فوتبال می‌خواستیم؟

استانبول برای میزبانی از فینال لیگ قهرمانان، کولاک به پاکرد. شهر کاملاً برای چنین اتفاقی آماده شده بود. در بسیاری از نقاط استانبول، نمادهای بازی فینال نصب شده بودند و در نقاطی از این شهر نیز یک ماکت بسیار بزرگ از جام قهرمانی قرار گرفته بود که مردم با آن عکس می‌گرفتند. حتی طراحی توپ بازی فینال نیز با توجه به فرهنگ، هنر و معماری استانبول صورت گرفت و همه چیز در آن مطابق



میل کشور میزبان پیش رفت. شور و حال شهر نیز برای برگزاری این بازی، در بهترین سطح ممکن بود. حتی آنهاهی که علاقه‌ای به سیتی و اینتر نداشتند و حتی آنهاهی که اصلاً فوتبالی نبودند، کاملاً تحت تاثیر جو فوتبالی استانبول قرار گرفتند. همین ورزشگاه آتاتورک در سال ۲۰۰۵ نیز میزبان فینال لیگ قهرمانان بود. اگر شرایط این روزهای ترکیه را با وضعیت آن روزها مقایسه کنیم، باید بپذیریم که به لحاظ فوتبالی همه چیز در این کشور ایده‌آل تر شده است. حتی اگر ورزشگاه شیک

و مدرن آتاتورک را در نظر بگیریم، استانبول حداقل سه استادبوم درجه یک دیگر برای میزبانی فینال لیگ قهرمانان داشته است. سطح لیگ فوتبال در ترکیه نیز به شکل قابل توجهی بالا رفته و حالا ستاره‌های بزرگی این لیگ را برای ادامه دوران ورزشی‌شان انتخاب می‌کنند. این می‌تواند طعنه‌بزرگی به فوتبال ایران باشد که باشگاه‌ها در آن حتی در مساله‌های ساده‌ای مثل «بودن یا نبودن» نیز با مشکل روبه‌رو هستند و اصلاً معلوم نیست چه فلسفه‌ای برای ادامه زندگی باشگاه‌های زیان‌ده وجود دارد.

فاصله فوتبال ایران با کشورهای همسایه به خصوص از لحاظ سخت‌افزاری، روز به روز بیشتر می‌شود. اینجا هنوز هم آزادی مهم‌ترین ورزشگاه به شمار می‌رود. استادبومی که بخشی از سکواش دیگر حتی قابل استفاده هم نیستند و چکه کردن سقف آن، سوژه بازیکنان خارجی می‌شود. به جز آزادی در تهران با این عظمت، هیچ ورزشگاه استاندارد دیگری وجود ندارد. چرا که شیوه مدیریت اوضاع در فوتبال برای سال‌ها غلط اندر غلط بوده است. فوتبال حرفه‌ای در درجه اول ابزار حرفه‌ای می‌خواهد و این ابزار در فوتبال ایران وجود ندارد. فوتبالی که حتی از کمک‌داور و بدوینی نیز بهره نمی‌برد و معلوم نیست چند سال طول خواهد کشید تا وی‌ای آن را پدیدآید کند. همسایگان درگیر شور و اشتیاق میزبانی‌های بزرگ هستند و ما اینجا هنوز بر سر ساده‌ترین مسائل ممکن، دعوا راه می‌اندازیم و جنجال در دست می‌کنیم!